

یک نکته تاریخی در شعر خاقانی

مصطفی موسوی*

چکیده

خاقانی در شعر خود، لااقل در پنج موضع، اشاره کرده است که برخی حرمت بیت‌المقدس را نادیده گرفته‌اند و قطار خوکان را به آن مکان مقدس برده‌اند. این موضوع در منشآت خاقانی، دیوان سوزنی سمرقندی، و غزلیات شمس نیز انعکاس یافته است. شارحان آثار خاقانی در توضیح این ابیات موضوعات گوناگونی طرح کرده‌اند؛ این موضوعات بیش از آن‌که مبتنی بر اسناد و مدارک باشد، بر حدس و گمان استوار است؛ حدس و گمان‌هایی که با واقعیات نسبتی ندارند و معقول هم به‌نظر نمی‌رسند. در این مطالعه نظر شارحان یادشده نقد شده است. سرانجام، با استناد به اسناد درخور اعتنا این اتفاق تاریخی به حمله نبوکدنصر یا همان بخت‌النصر به بیت‌المقدس مربوط دانسته شده است.

کلیدواژه‌ها: بیت‌المقدس، خاقانی، قطار خوک، نبوکدنصر/بخت‌النصر.

۱. مقدمه

ادبیات گذشته ایران، به‌ویژه شعر، حاوی معارف بشری اعم از علوم و فنون رایج روزگار، آداب و رسوم، سنت‌های آیینی، و حوادث طبیعی، تاریخی، و اجتماعی بوده است. پاره‌ای از موارد یادشده در متون ادبی به‌طور واضح مطرح شده‌اند و از پاره‌ای دیگر با اشاره و تلمیح یاد شده است. بدیهی است فهم درست و دقیق متون کهن و منظور نویسندگان و شاعران در گرو شناخت درست و دقیق مواردی است که در متن به‌اشاره از آن‌ها یاد شده است. فاصله‌ای که ما امروز از زمان تألیف متون کهن داریم، جابه‌جایی اقوام، جنگ‌ها و حوادث طبیعی، تغییر دین و مذهب مردمان نواحی مختلف در طول تاریخ، و سرانجام تغییر سبک

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، mmusavi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵

زندگی سبب شده است که بسیاری از اشارات شاعران فارسی‌زبان برای خوانندگان امروزی نامفهوم یا مبهم باشد. امروزه یکی از وظایف پژوهش‌گران حوزه زبان و ادبیات فارسی روشن ساختن این‌گونه مجهولات و رفع ابهام‌های موجود در متون است. بسیاری از این ابهام‌ها با دقت در کل متن، دیگر آثار نویسنده و شاعر، و با مراجعه به آثار دیگران، به‌ویژه آثار پیش از دوره مورد بحث، بررسی و رفع می‌شود. شارحان در شرح متون غالباً به شروح پیش از خود مراجعه می‌کنند و این کار گاهی موجب گمراهی‌ها می‌شود. اعتماد به شروح و نیز متون بدون دقت در مفهوم عبارات و جمله‌ها گاه سبب می‌شود اطلاع و تحلیلی نادرست درست پنداشته شود و براساس آن تحلیل‌های نادرست دیگری صورت پذیرد و کم‌تر کسی در اصل آن‌ها شک کند.

۲. بیان مسئله

در میان آثار شاعران پارسی‌گوی شعر خاقانی، به سبب رویکرد خاص شاعر در بیان پیچیده، بیش از دیگر شاعران به شرح و توضیح نیاز دارد و بسیاری افراد نیز به این مهم پرداخته‌اند. خوشبختانه، مقالات قابل‌اعتنایی نیز در حل مشکلات شعر خاقانی در دهه‌های اخیر منتشر شده است. در مطالعه حاضر نیز سعی شده است با تکیه بر متون یکی از مشکلات شعر خاقانی حل شود.

در بیت سیزدهم نخستین قصیده دیوان خاقانی آمده است:

با قطار خوک در بیت‌المقدس پا منه با سپاه پیل بر درگاه بیت‌الله میا

(خاقانی، ۱۳۵۷: ۲)

مضمون مصرع نخست در چند جای دیگر دیوان خاقانی تکرار شده است و در شعر سوزنی سمرقندی و در غزلیات شمس نیز دیده می‌شود. با توجه به قراین و شواهد، به نظر می‌رسد که این شاعران این موضوع را واقعه‌ای تاریخی می‌پنداشته‌اند. در بیت بالا، مصرع دوم، که به لشکرکشی ابرهه به خانه خدا اشاره می‌کند، این امر را القا می‌کند که در واقعه‌ای تاریخی قطار خوک را به بیت‌المقدس برده باشند. خاقانی در قصیده‌ای دیگر با مطلع

از سر زلف تو بویی سر به مهر آمد به ما جان به استقبال شد کای مهد جان‌ها تا کجا

(همان: ۲۵)

جای دو مصرع بیت یادشده را با هم عوض کرده است:

خود سپاه پیل در بیت‌الحرم گو پی منه خود قطار خوک در بیت‌المقدس گو میا

(همان: ۲۹)

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در دو بیت یادشده خاقانی آوردن قطار خوک به بیت‌المقدس را نوعی لشکرکشی و همانند لشکرکشی ابرهه و آوردن پیلان برای در هم کوبیدن کعبه تلقی کرده است؛ زیرا این دو کار مستلزم شکستن حرمت این دو معبد و مکان مقدس بوده است.

خاقانی، در جایی دیگر، که سخن از آلودگی‌های نفسانی و لزوم پاک‌شدن از آن‌هاست، ظاهراً با اشاره به همین واقعه تاریخی خوک را مایه آلوده شدن مکان مقدس و پاک مسجد اقصی (محراب) می‌داند:

خُبث ما را بارگاه قدس دور افکند از آنک خوک را محراب اقصی برنتابد بیش از این

(همان: ۳۴۹)

که نباید آن را تاب آورد و باید در رفع آلودگی آن کوشید.^۱

در جای دیگر، خاقانی این کار را از سوی دشمنان متجاوز تلقی می‌کند:

چه خصم بر نواحی ملکش کند گذر چه خوک دم به مسجد اقصی برافکند

(همان: ۱۴۶)

و در جایی دیگر، تلویحاً این دشمنان را پیروان مسیح قلمداد می‌کند:

تن چون رسد به خدمت کی زبید از مسیح کو خوک را به مسجد اقصی رها کند؟

(همان: ۶۰۱)

خاقانی در منشآت خود نیز به این دو واقعه مسجدالحرام و مسجدالاقصی اشاره‌ای کرده است: «چه آرایش گلخنیان زشت به آرایش گلشنیان بهشت ضمّ نتوان کرد و پیل را در مسجدالحرام و خوک را در مسجد اقصی ره نتوان داد» (خاقانی، ۱۳۴۹: ۳۴۲).

اشاره به هویت دشمنان یا متجاوزانی که حرمت بیت‌المقدس را شکسته و آن را اشغال کرده‌اند در شعر سوزنی سمرقندی نیز آمده است:

بیت‌المقدس است دل تو به نور دین وه! تا نه خوک‌خانه کند کافر فرنگ

(سوزنی، ۱۳۳۸: ۲۳۴)

کافر دانستن فرنگ از سوی سوزنی یا مسلمانان هم‌روزگارش منافاتی با مسیحی انگاشتن فرنگیان ندارد؛ زیرا در آن روزگار مسلمانان و مسیحیان در جنگ‌های صلیبی در مقابل هم قرار گرفته بودند و البته که در عرف عام مسلمانان نیز پیروان ادیان دیگر عادتاً کافر به‌شمار می‌آمدند. مولوی نیز در دو جا از غزلیات شمس این حرمت‌شکنان را «فرنگ» و «افرنگ» می‌نامد:

در قدس دلت چو خوک دیدی ملک قدست فرنگ دارد

(مولوی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۸۹)

بیت‌القدس اگر شد ز افرنگ پُر ز خوکان بدنام کی شد آخر آن مسجد مقدس!

(همان: ج ۳، ۸۰)

۳. نقد شروع در توضیح «قطار خوکان»

شارحان دیوان خاقانی در شرح این ابیات به راه‌های گوناگونی رفته‌اند که در این جا به نقد آن‌ها می‌پردازیم.

۱.۳ شروع قدیم

در شروع قدما، که عموماً اثر شارحان هندی است، مطالب مشابهی دیده می‌شود. یکی از ایشان آورده است:

در جاهلیت ترسایی خوکان می‌چرانید و آن خوکان را در بیت‌المقدس می‌داشت. چون چندی گذشت، مهتر عیسی (ع) مبعوث شد و آن ترسا زجر کرد و خوکان را از بیت‌المقدس بیرون کرد و معبد اهل اسلام ساخت (شرح خاقانی، نسخه شماره ۵۵۰۷ دانشگاه تهران، تصویر ۰۰۱۴۲ (شماره صفحه ندارد)، که در تصویر ۰۰۱۶۲ نیز تکرار شده است).

نسخه‌های متعدد دیگر نیز کم و بیش همین مطالب را نوشته‌اند.^۲

بی‌دقتی و بی‌توجهی به مسائل تاریخی، فرهنگی و ... از ویژگی‌های شروع هندی است. در همین دو سطر نقل‌شده از شرح یادشده دیده می‌شود که از اصطلاحات «جاهلیت» و «ترسا» و «اهل اسلام» با تسامح استفاده شده است. جاهلیت اصطلاحی است مربوط به پیش از بعثت رسول‌الله (ص) و ترسا عنوانی است برای پیروان حضرت مسیح که در این جا به

کسانی که پیش از بعثت مسیح می‌زیسته‌اند اطلاق شده است. اهل اسلام هم به پیروان محمد بن عبدالله (ص) گفته می‌شود که شارح بر پیروان عیسی مسیح اطلاق کرده است. البته این سومی را به‌گونه‌ای می‌شود پذیرفت که ناشی از تلقی اسلامی از دین و اسلام است و دین همه پیامبران را یکی می‌داند و البته آن اسلام است.

۲.۳ شروح معاصر

شارحان معاصر نیز بعضاً تحت تأثیر اطلاعات و تحلیل‌های شروح هندی بوده‌اند. امامی در نقد کتاب *رخسار صبح*: شرح گزیده دیوان خاقانی در مقاله‌ای با عنوان «رخسار صبح در آینه» در توضیح بیت

چه خصم بر نواحی ملکش گذر کند چه خوک دم به مسجد اقصا برافکند

با استناد به بیت

خبث ما را بارگاه قدس دور افکند از آنک خوک را محراب اقصی برنتابد بیش از این

تأکید کرده است:

واقعه مورد اشاره، یعنی بسته شدن خوک در اماکن مقدس اسلامی، در شهر بیت المقدس به وسیله صلیبیون در روزگار خاقانی امری مشهور بوده است. اضافه می‌شود که بیت المقدس، مطابق آنچه حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده نوشته است، در سال ۴۹۲ ق به تصرف فرنگان درآمد و صلاح‌الدین ایوبی در سال ۵۸۵ آن شهر را از دست ایشان خارج ساخت و طبیعی می‌نماید که حوادث مربوط به اشغال بیت المقدس در شعر خاقانی، که تقریباً معاصر صلیبیون بوده، انعکاس پیدا کرده باشد (امامی، ۱۳۶۹: ۴۱).

البته، امامی از این که این «امر مشهور در روزگار خاقانی» مستند به چیست چیزی نگفته است. عبارت «طبیعی می‌نماید...» نیز متأسفانه خواننده را مجاب نمی‌کند که این حوادث را مربوط به اشغال بیت المقدس بدانند و دلیلش هم آن باشد که «خاقانی تقریباً معاصر صلیبیون بوده است».

ایشان بعدها در کتاب *ارمغان صبح*: برگزیده قصاید خاقانی شروانی در شرح بیت «با قطار خوک...» آورده است: «مصراع اول توجه دارد به ماجرای جنگ‌های صلیبی و نگه داشتن خوک در اماکن متبرکه بیت المقدس» و به همین مقاله خود در مجله نشر دانش ارجاع داده است (امامی، ۱۳۷۵: ۱۲۶).

معصومه معدن‌کن در کتاب بزم دیرینه عروس، که شرح گزیده دیوان خاقانی است، در شرح بیت «با قطار خوک ...» آورده است: «قطار خوک» کنایه از هواهای نفسانی به مناسبت پلیدی و کثیفی و توالی و در پی هم آمدن هواهای نفس. بیت‌المقدس کنایه از مقام وحدت و معرفت و عزلت» (معدن‌کن، ۱۳۷۲: ۱۵۰).

معدن‌کن در اثر بعدی خود، نگاهی به دنیای خاقانی، در شرح همین بیت آورده است: «اشاره دارد به جنگ‌های صلیبی و رفتن ترسایان با خوک‌های خود به بیت‌المقدس» (معدن‌کن، ۱۳۷۸: ج ۳، ۷۰۸).

از این عبارت لازم می‌آید که ترسایان با خود خوک همراه دارند و اگر به جایی بروند، خوک‌هاشان را همراه خود می‌برند و این اتفاقی است که لابد در جنگ‌های صلیبی هم افتاده است و هیچ نیازی به قرینه و سند ندارد! این‌که صلیبی‌ها، یعنی فرنگان، در لشکرکشی، با خود گله‌های خوک به بیت‌المقدس آورده باشند جای تأمل دارد و این را البته باید در تاریخ جست که آیا وقایعی مشابه آن ثبت شده است؟ همراه داشتن گله‌های چهارپایان، لابد برای تغذیه لشکر، معقول به نظر نمی‌رسد. تاریخ پُر است از اطلاعاتی که گویای چپاول و غارت لشکریانی است که از منطقه‌ای عبور می‌کنند و این گذر در مناطق خودی قحطی می‌آورده است چه برسد به سرزمین دشمن که اساساً به همین منظور به آن‌جا حمله می‌کرده‌اند. همراه داشتن گله‌های چهارپا تضاد بی‌نی با چالاک‌ی و چابکی لازمه لشکر و حرکت سریع آن نیز دارد.

مهدی ماحوزی، در شرح خود بر گزیده دیوان خاقانی، «قطار خوک» در بیت مورد بحث را ظاهراً تحت تأثیر تلقی معدن‌کن کنایتی از رذایل نفسانی و صفات ذمیمه گرفته است و به‌هیچ‌وجه وارد مباحث تاریخی نشده است (ماحوزی، ۱۳۷۷: ۱۴۸).
کزازی در گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی نوشته است:

با قطار خوک گام در بیت‌المقدس نهادن: چنان می‌نماید که این چشم‌زد به تازش تیتوس پور و سپازیان، امپراتور روم، که به سال هفتاد میلادی به بیت‌المقدس در تاخت و آن را به تاراج برد و در آتش سوخت، بازمی‌گردد (کزازی، ۱۳۷۸: ۳).

کزازی نیز از عبارت «چنان می‌نماید» استفاده کرده است، یعنی هیچ سندی برای مربوط کردن بیت به تاخت‌وتاز امپراتور روم در سال هفتاد میلادی ندارند. علاوه بر آن، در استناد ایشان صرفاً تاخت‌وتاز و به‌تاراج بردن و سوزاندن بیت‌المقدس به تیتوس و سپاسیانوس نسبت داده شده، نه قطار خوک را به آن‌جا بردن.

محمد رضا برزگر خالقی در شرح دیوان خاقانی در توضیح این بیت آورده است: «مصراع اول اشاره است به ماجرای جنگ‌های صلیبی و نگه داشتن خوک در اماکن متبرکه بیت المقدس». سپس، پنج سطر منقول از مقاله امامی در نشر دانش را آورده و به آن ارجاع داده است (برزگر خالقی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۳۹).

محمد استعلامی در نقد و شرح قصاید خاقانی براساس تقریرات استاد فروزانفر در شرح ابیات مورد نظر ما نظر کاملاً متفاوتی عرضه کرده است. ایشان در شرح بیت «با قطار خوک ...» آورده است: «روایتی نه‌چندان معتبر در تاریخ‌ها آمده که، پس از حمله بخت‌النصر، دیری در حرم قدس خوک‌داری برپا شده بود» (استعلامی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۷۲) و در شرح بیت «خود قطار خوک ...» آورده است: «و خوک در بیت المقدس هم اشاره به روایتی است که پس از حمله بخت نصر (نبوکد نذر) به بیت المقدس در حرم قدس خوک پرورش می‌داده‌اند» (همان: ۱۴۵) و نیز در شرح بیت «چه خوک دم به ...» آورده است:

آمدن دشمن به این ولایات مثل بودن خوک در جای مقدس است و نظر به روایتی است که پس از غلبه بخت نصر بر قوم یهود یا در روزگار جاهلیت معبد بیت المقدس به خوکبانی تبدیل شده بود و خاقانی به این روایت - که سند روشنی هم ندارد - مکرر اشاره می‌کند (همان: ۴۹۲).

ایشان در شرح «خوک را محراب اقصی برنتابد بیش از این» نیز آورده است: در بیت ۱۷ هم خوک خاقانی و بارگاه اخستان محراب مسجدالاقصی در اورشلیم است و اشاره‌ای هم به روایتی دارد که پس از حمله سپاه بخت‌النصر در بیت المقدس خوک می‌پرورده‌اند (همان: ج ۲، ۱۰۶۲). در این شرح سخنی از صلیبی‌ها و فرنگان و ترسایان نرفته است و استعلامی آوردن خوک به بیت المقدس را به صلیبی‌ها و فرنگان و ترسایان نسبت نداده است.

۴. «قطار خوکان» در متون تاریخی

می‌دانیم که جنگ‌های صلیبی جنگ‌های مذهبی بوده است و مسلمانان و مسیحیان آن‌جا را مکان‌های مقدس خود می‌دانسته‌اند و می‌خواستند از سلطه دیگری خارج کنند. علاوه بر آن، لااقل از اواسط قرن چهارم میلادی، بیت المقدس و اماکن مقدس اورشلیم مکان‌های مقدسی بوده است که همانند کعبه حاجیان مسیحی حجشان را در آن اماکن برگزار می‌کرده‌اند.

بَعْدَ قِيَامِ الْإِمْبْرَاطُورِيَةِ الْبِيزَنْطِيَّةِ الْمَسِيحِيَّةِ تَغَيَّرَ الْوَضْعُ بِالنِّسْبَةِ لِأُورُشَلِيمَ وَأَصْبَحَتْ أَوَّلُ الْمُدُنِ الَّتِي يَقْصُدُهَا الْحُجَّاجُ لِزِيَارَةِ الْأَمَاكِنِ الْمُقَدَّسَةِ. وَ عَمَلُ الْإِمْبْرَاطُورِ قِسْطَنْطِينِ وَ خُلَفَاؤِهِ عَلَى تَرْمِيمِ وَ تَجْمِيلِ الْمَوَاقِعِ الْمُرْتَبِطَةِ بِذِكْرِ الْمَسِيحِ وَ تَشْيِيدِ أَوَّلِ كَنِيسَةِ مَكَانِ الْقَبْرِ الْمُقَدَّسِ. وَ قَدْ أَضَافَ عَلَيْهَا يوستينيانوس كاتدرائيةً و مساكنَ لِأَيَّامِ الْحُجَّاجِ^۳ (عبودي، ۱۹۹۱: ۱۵۵؛ ← مقاله‌ای از ونسینک در *دائرةالمعارف اسلامی*، ج ۷، ۳۰۴).

بنابراین، هیچ دلیلی برای این‌که مسیحیان بیت‌المقدس را خوكدانی کنند وجود نداشته است و این تعبیر اساساً بی‌پایه‌را، به احتمال زیاد، باید فرماندهان و حاکمان بلاد مسلمین برای ایجاد انگیزه در جنگ‌جویان مسلمان به منظور شرکت در جهاد با صلیبی‌ها ساخته باشند. نسبت دادن این واقعه (البته بدون سند و بنا بر روایتی نامعتبر) به نبوکد نصر یا همان بخت‌النصر البته چنین اشکالی در پی ندارد؛ زیرا وی پیش از مسیح می‌زیسته و بر آیین یهود نیز نبوده، بلکه دشمن یهودیان بوده است.

نکته تأمل‌کردنی این است که خاقانی هیچ‌جا به خوكدانی شدن بیت‌المقدس اشاره‌ای نکرده است. در ابیات خاقانی صرفاً به آوردن قطار خوک به بیت‌المقدس یا رها شدن خوک در آن‌جا اشاره شده است. حمله نبوکد نصر به بیت‌المقدس و اشاره تلویحی به این‌که وی خوکان را به آن مکان مقدس برده در *بهجة المجالس* آمده است:

جاءُ بُخْتُ نَصْرَ، فَقَسِمَ مَا جَاءَ بِهِ فِي النَّاسِ. فَقَالُوا: «مَا رَأَيْنَا أَحَقَّ بِالْمَلِكِ مِنْ هَذَا؟» فَمَلَكُوهُ.
فلما ضرب له ملكه بجرانه ... فغزا الشام، فذلك حين قتل، وخرّب بيت المقدس و انتزع حليته و
حملها، و جعل يشرب فيها الخمر و خوانا يأكل عليها الخنازير، و حمل التوراة معه ثم ألقاها في
النار^۴ (قرطبي، ۱۹۸۱: ۱۶۴).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، آن‌چه اتفاق افتاده این است که خوک را به بیت‌المقدس، که مکان مقدسی برای یهودیان و بعدها مسیحیان و مسلمانان نیز بوده است، آورده‌اند و در آن مکان مقدس با گوشت خوک غذا تهیه کرده و خورده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

اشاره به واقعیات تاریخی مشهور یا ناشناخته در متون ادبی فراوان است و یافتن مآخذ این حوادث تاریخی، تا آن‌جا که در توان شارحان است، وظیفه ایشان است. از آن مهم‌تر این است که اگر به هر دلیل برای حکایات تاریخی مأخذی یافت نشد، شارح باید دقت کند و از طرح حدس و گمان‌های نابجا و نامعقول پرهیز کند تا اگر در فهم مطلب به خواننده کمکی نشود، لاف‌گمراهش نکند. در این مطالعه خواندیم که نسبت دادن آوردن خوک به

بیت المقدس به فرنگان/ مسیحیان بی اساس است؛ هرچند شاعران دیگری به آن اشاره کرده باشند. بنا بر اشاره قرطبی، قطار خوک یادشده در ابیات خاقانی را نبوکد نصر/ بخت النصر به بیت المقدس آورده و به آن مکان مقدس بی احترامی کرده بود.

پی نوشتها

۱. در دیوان منسوب به حلاج نیز بیتی آمده که حاوی همین مضمون است:
سودای آرزو به درآرم ز قصر دل خوک سیه ز مسجد اقصی برآورم
۲. شرح مختصر خاقانی، نسخه مجلس به شماره ۹۲۸۲ گ ۹۷ ر؛ شرح دیوان خاقانی، نسخه ۳۱ ج ادبیات دانشگاه تهران (شماره صفحه ندارد)، تصویر ۰۰۰۹۰ و ۰۰۲۴۶؛ شرح خاقانی، نسخه شماره ۳۰۸۰ کتابخانه دولت علیه ایران، گ ۲۳۸ و ۲۳۹؛ شرح خاقانی، نسخه شماره ۷۹۶۴ دانشگاه تهران، گ ۲۹۵ پ و ۲۹۶ ر؛ شرح خاقانی، نسخه شماره ۱۸۰ مجلس، ص ۱۴۴ و ۴۰۴. یادآوری این نکته لازم است که در نسخه‌های شرح عبدالوهاب حسینی بر دیوان خاقانی هیچ شرح و توضیحی درباره ابیات مورد نظر پژوهش حاضر نیامده است. رساله دکتری محمدحسین کرمی نیز دیده شد که تصحیح شرح یادشده است.
۳. پس از برپا شدن امپراتوری مسیحی روم شرقی، موقعیت بیت المقدس تغییر کرد و این شهر به نخستین شهر زیارتی تبدیل شد و حجاج به آن روی می آوردند. امپراتور کنستانتین و جانشینانش به بازسازی و زیباسازی مکان‌هایی که به مسیح مربوط می شد پرداختند و کلیسای قبر مقدس را نیز بازسازی کردند. یوستینیانوس کلیسای جامع و خانه‌هایی برای اقامت حجاج بر آن‌ها افزود.
۴. بخت النصر آمد و آنچه آورده بود بین مردم تقسیم کرد. گفتند: «ما شایسته‌تر از این کسی را برای پادشاهی نمی شناسیم». و او را پادشاه خود کردند. چون حکومتش مستقر شد ... به شام حمله کرد و مردمان را کشت و بیت المقدس را خراب کرد و غارت کرد و در آن به شراب‌خواری پرداخت و سفره‌ای پهن کرد و بر آن سفره گوشت خوک خورد و تورات را با خود برد و در آتش انداخت.

کتابنامه

- استعلامی، محمد (۱۳۸۷). *نقاد و شرح قصاید خاقانی براساس تقریرات استاد بدیع‌الزمان فروزانفر*، ج ۲، تهران: زوار.
- امامی، نصرالله (۱۳۶۹). «رخسار صبح در آیین»، نشر دانش، س ۱۰، ش ۳.

۱۳۴ یک نکته تاریخی در شعر خاقانی

- امامی، نصرالله (۱۳۷۵). *ارمغان صبح: گزیده قصاید خاقانی شروانی*، تهران: جامی.
- برزگر خالقی، محمدرضا (۱۳۸۷). *شرح دیوان خاقانی همراه با مقدمه، تلفظ واژه‌های دشوار، درست‌خوانی، زیباشناسی، و شرح ابیات*، تهران: زوار.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۴۹). *منشآت خاقانی*، تصحیح محمد روشن، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۱۳۵۷). *دیوان خاقانی شروانی*، تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: کتاب‌خانه خیام.
- سوزنی، محمد بن علی (۱۳۳۸). *دیوان حکیم سوزنی سمرقندی*، تصحیح ناصرالدین شاه‌حسینی نوری، تهران: امیرکبیر.
- شرح خاقانی (بی‌تا). نسخه شماره ۵۵۰۷ دانشگاه تهران.
- عبودی، هنری. س. (۱۹۹۱ م). *معجم الحضارات السامیه، طرابلس: جروس برس*.
- قرطبی، ابن عبدالبر (۱۹۸۱ م). *بهجة المجالس و أنس المجالس و شحد الأذهن والهاجس*، تصحیح محمدمرسی خولی، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۸). *دیوان خاقانی شروانی*، گزارش دشواری‌ها، تهران: نشر مرکز.
- ماحوزی، مهدی (۱۳۷۷). *آتش اندر چنگ: گزیده‌ای از دیوان خاقانی شروانی*، تهران: سخن.
- معدن‌کن، معصومه (۱۳۷۲). *بزم دیرینه عروس: شرح پانزده قصیده از دیوان خاقانی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- معدن‌کن، معصومه (۱۳۷۸). *نگاهی به دنیای خاقانی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۶۳). *کلیات شمس یا دیوان کبیر: مشتمل بر قصائد و غزلیات و مقطعات فارسی و عربی و ترجیعات و ملامعات*، ج ۲ و ۳، تهران: امیرکبیر.